



آینه میراث و صبح نیشابور

برای اهل ادب، صبح نیشابور از لطافت ویژه‌ای برخوردار است که الهام بخش آنان بوده است، اگر در کوچه باغ‌های نیشابور بگردیم و به باغ خیام برسیم انگار حکیم را می‌بینیم که در بحر تفکر عمیقی برای حل معادلاتش فرو رفته است، ولی ناگهان صدای سم‌ستوران می‌آید و دلمان فرو می‌ریزد که به نیشابور چه گذشته است و بر تل خاک ما مانده‌ایم و کتابهای سوخته و عصر پسا مغول که هیچ گاه به آن شکوه گذشته دست نیافتیم.

آینه میراث هم به صبح نیشابور می‌ماند در صفحاتش که جستجو کنیم همان احساس گذر از کوچه باغ‌های نیشابور را دارد و دل گرممان می‌کند، اگر شماره ۲۸ آینه میراث را ورق بزنیم، ما را با غیاث الدین جمشید کاشانی همراه می‌کند که عدد پی را تا شانزده رقم اعشار با روشی کاملاً ابتکاری محاسبه کرد و نتیجه کار خود را در رساله محیطیه ارائه نمود، یان هوخندایک استاد ارجمند تاریخ علم در دانشگاه اتریش هلند، روش ابتکاری کاشانی در محاسبه عدد پی و جایگاه آن در تاریخ ریاضیات را باز گشوده است و کار ارزشمند کاشانی را به خوبی بررسی کرده است. پس از آن باز هم از کاشانی می‌خوانیم، این بار به دنیای هندسه می‌رویم و روش کاشانی برای محاسبه قوسها به قلم ایبونه دوله سمپلونیوس مورخ تاریخ علم در دانشگاه هایدلبرگ بسیار خواندنی و جذاب است. کاشانی بحث محاسبات قوسها را در کتاب مفتاح الحساب خود ارائه کرد که کاری است بسیار ارزشمند و ماندگار، کاشانی جداول ساده‌ای برای محاسبات مهندسان آن زمان آماده نمود و چون محاسبات مربوط به قوسها تا سه رقم اعشار ارائه شده بود، جداول کاشانی به مقاصد عملی عصر خود پاسخ می‌داد. و جالب است که در می‌یابیم در آن عصر هم عالمان با بخش صنعت ارتباط عمیق داشته‌اند و ایجاد فناوری و توجه به جنبه‌های کاربردی پس ضروری و مورد نیاز بوده است.

آینه میراث کم کم ما را به عصر جدید و دنیای مدرن

هم می‌آورد، دکتر چاوشی مقاله جالبی در مقایسه روش بوزجانی و داوینچی در ترسیم پنج ضلعی منتظم نگاشته است، و پس از آن استاد دکتر شهشهانی ما را بیشتر به دنیای مدرن رهنمون می‌شود و در مقاله ارزنده دگرگونی مفهوم هندسه در نیمه دوم قرن نوزدهم اطلاعات ارزشمندی را به خوانندگان ارائه می‌کند، استاد شهشهانی می‌گوید که سخنرانی ریمان ۲۸ ساله برای پذیرفته شدن به عنوان مدرس در دانشگاه گوتینگن در تاریخ ۱۰ ژوئن ۱۸۵۴ مانیفست دگرگونی کامل در دیدگاه فلسفی نسبت به هندسه است و سرآغاز تحولات بعدی هندسه در دنیای مدرن و حتی پسامدرن.

اگر با این اندیشه موافق باشیم که در دنیای پسامدرن آنچه که به حال تک موسوم شده است ما را به درون خود کشیده است این باور نیز ضروری است که بررسی ریشه‌ها از جهات گوناگون لازمه ادامه حیات فرهنگی ما و برای این که پایگاه علمی در عصر پست مدرنیته در سرزمین ما ریشه واقعی داشته باشد ضروری است که در ژرفا، اندیشه‌های علمی را بشکافیم و این کار ارزشمندی است که آینه میراث انجام داده است که دست مریزاد دارد و چه غبطه می‌خوریم اگر این ژرف کاوی با ارزش فقط در حد روشنفکران باقی بماند و چه خوبتر بود که این بررسی‌ها با زبان ساده نیز برای میلیونها دانش آموز بازگفته می‌شد تا نسل سرافراز ما در عصر پسامدرن با تکیه بر ریشه‌ها، بالنده‌تر و شکوفاتر باشد و در صبح نیشابور، اندیشه‌ها و احساسهای تازه را جستجو کند.

دکتر یحیی تابش

استاد دانشگاه صنعتی شریف، دانشکده ریاضیات

۸۵/۱۲/۲۰

دوست مکرم جناب آقای ایرانی

سلام علیکم

خدمت حضرتعالی به نشر معارف اسلامی و فرهنگ کهن ایرانی بر هیچ کس پوشیده نیست و روز بروز بر توسعه

و تابناکی آن افزوده می‌گردد. احیاء آثار ارزشمند موجب افتخار جهان اسلام و باعث سرافرازی مسلمین و ایرانیان خواهد بود. مجله گزارش میراث حضرتعالی را به اضافه شماره جدید ۳۳. ۳۴ آینه میراث با دقت مطالعه کرده‌ام و گاه تا وصول شماره‌های آینده، من چندین مرتبه مطالعه و بررسی می‌کنم با این حال که کسالت هنوز مرا رها نکرده و حرکت و فعالیت را از من بازگرفته، ولی علاقه به حیات و مطالعه هنوز در اعماق جان این بنده ناچیز با لطف الهی موجود و اگر ساعات لذت بخشی باشد همان ساعات مطالعه است. خداوند همه دوستان را سلامت دارد و از این نعمت بزرگ الهی بهره‌مند دارد. مخصوصاً آن دوست گرامی ما، از خداوند سلامتی و توقیقات بیشتری برایتان آرزو مندم.

ارادتمند

سید محمد تویسرکانی - اصفهان
۸۵/۱۲/۲۲

جناب آقای ایرانی

با سلام خدمت جنابعالی و تمامی همکاران زحمتکش مرکز پژوهشی میراث مکتوب. حکایت این کتاب بلوهر و بوداسف شده است. حکایت ترانه «مرا ببوس» کار دیگری از خواننده آن سراغ نداریم، اما همین یک آهنگ او را در سنت آوازی ایران نگاه داشته است. فکر می‌کنم این شانس برای من هم پیش آمد تا در موقعی مناسب که مرکز میراث مکتوب کتاب نظام تبریزی را منتشر کرد باشم و طرح نکاتی بکنم و از قضا و به یاری بخت و شرایط موجود فرهنگی دنیا، این بحث با استقبال مواجه شود. سخت آرزو می‌کنم که این اقبال به دیگر کتاب‌های منتشره این دیار هم بشود (شاید لازم بشود در مورد آن‌ها کار تطبیقی صورت بگیرد تا ربط و ارتباط شان با متون فرهنگ‌های دیگر روشن شود). به هر حال کاری کردید و الان بازتاب هایش می‌آید.

همان طور که در جلسه رونمایی کتاب بلوهر عرض کردم (و آن جلسه حداقل تا کنون دوبار از کانال چهار تلویزیون پخش شده است) از این کتاب چند شرح کلیدی وجود دارد که متأسفانه در ایران معرفی نشده‌اند. جدا از نسخه نظام تبریزی که منتشر گردید، و خلاصه کتاب (شرح دکتر هومل) که به ترجمه خود من در آینه میراث منتشر شد، سه شرح کلیدی وجود دارند که نیازمند ارائه به

زبان فارسی هستند. از این گروه، شرح عربی اسماعیلی است که کهن‌ترین شرح است و تاکنون حتی به انگلیسی هم ترجمه نشده و به فرانسه در ۱۹۷۱ منتشر شد. یک نسخه از این متن را بیش‌تر از یک سال قبل برای آقای کیانفر فرستادم و قرار بود یکی از اساتید از فرانسه به فارسی ترجمه و مرکز منتشر کند. نمی‌دانم اکنون در چه مرحله‌ای است. یک شرح مسیحی یونانی هست که آن قدر نثرش مصنوع و متکلف است و بحث‌های کلامی مسیحی دارد که بلندگوی تبلیغاتی مسیحیت قرون وسطی شده و اصل داستان در آن گم است. کتاب خیلی مهمی است. اما به زحمتش و تبعات تبلیغاتی آن نمی‌ارزد. این را فعلاً برایش فکری ندارم. باقی می‌ماند یک نسخه مسیحی گرجی که بسیار شسته رفته و با اندک دلالت‌های مسیحی است، اما آنچه در آن برجسته است خود داستان و ادبیات آن است. این متن به «بلوریانی» معروف است و یونسکو آن را در زمره ذخایر فرهنگی ملت گرجی ثبت کرده است و کپی رایت آن را هم خود یونسکو دارد. من ترجمه این متن را شروع کرده‌ام و حدوداً یک چهارم کار تمام شده است. پیشنهاد من این است که مرکز میراث مکتوب این ترجمه را منتشر کند تا در کنار دو کار تاکنون منتشر شده در این زمینه و کاری که قرار است بعد از ترجمه از فرانسه منتشر کند در واقع یک مجموعه منظم از این اثر جهانی را در اختیار اهل پژوهش ایران گذاشته باشد. توجیه من این است که این متن در محیط فرهنگی ما پروراندگی شده و کار بر روی آن هم مسئولیت ماست.

چند روز قبل یک ایرانشناس روس برایم پیغام فرستاد که یک اندیشمند روس دیگر شروع به کار در مورد متن‌های همین کتاب در زبان‌های روسی، توراتی و سقلاپی کرده است و خواست من نوشته‌هایم را برایش بفرستم. این کار را کردم. همین مورد و همایش‌هایی که مرا برای ارائه بحث آن دعوت کرده‌اند نشان می‌دهند که در میان این همه هیاهوی جنگ تمدن‌ها و فیلم ۳۰۰ ساختن، اهل نظر می‌دانند که کدام کتاب‌ها متصل کننده فرهنگ‌ها بوده‌اند و چگونه اتفاقاً این یک کتاب خاص جایگاه تجلی و گفتگوی فرهنگ‌های زیادی در کنار هم شده است. آیا می‌دانستید همین جزوه مرا که بنام «بلوهرنامه» منتشر کرده‌اید در زبان‌های فارسی و عربی و ترکی پژوهشی انحصاری است؟ خواهش می‌کنم مورد را بررسی بفرمایید و اگر پیشنهاد انتشار آن به نظرتان قابل پذیرش آمد اطلاع دهید تا فشرده کار کنم و تمامش کنم. البته می‌توانم به ناشر



دیگری بدهم. اما سرفقلى این کتاب را از آن مرکز میراث مکتوب می‌دانم (البته ترجمه را با حواشی مفصل و گسترده همراه خواهیم کرد تا از حالت ترجمه به کاری پژوهشی بدل شود و ماندگار بماند).

ارادتمند
جليل نودرى
۸۵/۱۲/۲۵

جناب آقای اکبر ایرانی

وصول یکی از منشورات شما را به کتابخانه مولانا آزاد با تشکر فراوان اعلام می‌دارم. شماره دستیابی به این کتاب در کتابخانه به شرح زیر می‌باشد: مجالس جهانگیری، عارف نوشاهی و معین نظامی، شماره ۱۸۵۱۲ اطمینان دارم که کتاب مورد نظر کتابی ارزشمند در این کتابخانه بوده و امیدوارم که مورد بهره‌برداری مراجعه‌کنندگان قرار گیرد.

ارادتمند
شکیل احمدخان
۲۰۰۷/۱۱/۲۵

جناب آقای اکبر ایرانی

با اهداء سلام و درود فراوان

احتراماً دو نسخه از مجله تحقیقات فارسی که توسط هیأت علمی گروه فارسی جمع‌آوری شد و بچاپ رسید خدمت شما برای استفاده همگانی ارسال می‌گردد. امیدوارم ارتباطات علمی بین بنیاد شما و گروه فارسی دانشگاه دهلی بیش از پیش توسعه و گسترش پیدا کند و با راهنمایی و همکاری بخصوص شما عزیز زبان و ادب فارسی رونق پذیر خواهد گردید.

ارادتمند و نیکخواه
چندر شیکهر-دهلی نو
۲۰۰۷/۱۱/۲۵

نام نیک دیگران

سردبیر محترم گزارش میراث

ذکر خیر دیگران و حفظ نام نیک گذشتگان، ذکر یاری آگاهان در یادآوری برخی اشتباهها و بدخوانی‌ها و ناگشوده‌ها، و سرانجام تشکر از همه کسانی که بار حمل علم را بدوش کشیده و به دیگران سپرده‌اند کمتر در نوشته‌های ما به چشم می‌خورد.

دکتر محمد روشن در «استدراکاتی بر منشآت خاقانی» (آینه میراث، تابستان و پاییز ۸۵)، هنگام ذکر نام استادانی که در تصحیح ایشان از منشآت خاقانی نظری داشته، نکته‌ای یادآوری کرده، نقدی نموده، تصحیحی افزوده، و...

از آنان با صفاتی دانش دوستانه چون: استاد فقید کم‌مانند، استاد شادروان، استاد آزاده، استاد فرزانه روانشاد و شادروان یاد کرده و بنوعی خود را مدیون تلاش همگی آنان دانسته است.

در مورد استادان و صاحب‌نظران معاصر و زنده اما، اینگونه صفات را بکار نبرده تا شائبه تملق به میان نیاید. از برخی همکاران خود در تصحیح متون و کسانی که نکاتی را بدیشان یادآوری کرده‌اند نیز با صفاتی مناسب یاد کرده است. خوانندگان نیز از الطاف ایشان محروم نشده‌اند. امید آنکه این سنت حسنه را دیگران نیز بکار ببرند. نام نیک دیگران ضایع مکن

تا بماند نام نیکت یادگار

محسن جم

ذکر خیر!

می‌گویند دوستی به دوست خود می‌گفت: دیشب جایی ذکر خیر حضرت عالی بود، من دفاع کردم. این ذکر خیر نیازمند به دفاع شباهت تامی به معرفی کتاب کشف‌الابیات کلیات شمس تبریزی در گزارش میراث، ۴-۶، دوره دوم، سال اول، شماره چهارم تا ششم، دی تا اسفند ۱۳۸۵ دارد. حرف هم بزنی خواهند گفت: کتاب جناب عالی را معرفی کردیم، اگر هم خواننده آن معرفی را بخواند باید به جریمه خطاهایی که نویسنده مقاله مرتکب شده است به مؤلف کتاب تسلیت بگوید. نویسنده محترم این مقاله چندان شتاب داشته است که حتی فرصت مطالعه یکی دو صفحه پیشگفتار کتاب را هم پیدا نکرده، نخوانده و اصدار فتوا کرده است. اتفاقاً من در آن پیشگفتار جوانان عجول و نخوانده ملاً را در نظر داشتم که نوشتم: «یک پرسش احتمالی باقی می‌ماند که آیا با وجود سی دی «درج» و ظاهراً «گنجینه» چنین کشف‌الابیاتی ضرورت پیدا می‌کند؟» ایراد معرف به این سؤال که نویسنده را مخالف رایانه معرفی فرموده و نوشته است که «دور افتادگان از این وادی (نرم‌افزار رایانه‌ای) باید بپذیرند که آشنایی با این امکانات درست مانند دانستن دستور زبان فارسی و تاریخ ادبیات از ضروریات است... روی سخن با اساتیدی (یعنی استادانی) است که سن و سالی از ایشان گذشته و متأسفانه نظر خوبی به این پدیده سودمند ندارند و حیثاً آن را هووی کتاب و پژوهش قلمداد می‌کنند... غافل از اینکه...» نویسنده مقاله از این نکته غافل بوده است زمانی که احتمالاً ایشان در دوره راهنمایی یا دبیرستان تحصیل

می‌کرد اینجانب در مقدمه‌یی بر مثنوی که به احتمال قوی نویسنده آن مقاله را هم که مفصل‌تر است، به طریق اولی نخوانده‌اند، نوشته‌ام «که بر هر حال به شیوه رایانه‌یی باید عادت کرد.» کار ایشان مرا به یاد تهمت زدن‌های واهی و به اصطلاح شراب پاشیدن‌ها که شیوه برخی از هم‌وطنان ما شده است می‌اندازد. فردی می‌خواهد در مثلاً صف بنزین تقلب بکند، و به اصطلاح رایج زرنگی بکند و چند نفر را پشت سر بگذارد، صاحب نوبت اصلی وقتی اعراض بکند، آن متقلب می‌گوید: چرا به مقدسات توهین می‌کنی؟ چرا به اعلیحضرت توهین کردی، آن بیچاره می‌گوید: آقا من به مقدسات و اعلیحضرت جسارتی نکردم، تو نوبت خود را رعایت کن. آن حریف متقلب جنجال راه می‌اندازد که مأمیر (مأموران) مخفی را علیه صاحب نوبت اصلی بشوراند و بر مرکب مراد سوار شود. این شیوه جوانمردانه نیست. من کی هوو سر رایانه آوردم، من چه اهانتی به اعلیحضرت کردم؟ من عرض کرده‌ام که اگر قصد مراجعه کوتاه به دیوان کبیر داشته باشید، کامپیوتر هم نداشته باشید، یا داشته باشید، برق نباشد یا دستگاه در دسترس نباشد، کشف الایات ... بله.

مؤلف محترم غفلت فرموده است که فعلاً در مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، نه یک تشکیلات وابسته الکترونیک مشغول انجام وظیفه است و توجه نداشته است که گفته‌اند آنچه جوانان، در آینه می‌بینند، سن و سال گذشتگان دقیق‌تر از آنان در خشت خام هم می‌بینند.

در پاراگرافی در نیمه‌های ستون اول صفحه ۳۲ نوشته‌اند: «آنچه ایشان نوشته‌اند، البته صحیح است...» سپس مطالبی درباره رساله دکتری مؤلفی مرقوم فرموده‌اند که من دوبار خواندم، ابدأ متوجه مقصود ایشان نشدم. من هم توصیه می‌کنم که برای ایشان از ضروریات قطعی است که حتماً دست‌ورزبان فارسی، مخصوصاً ساختمان جمله در فارسی را پیش استادی به دقت بخوانند تا قادر باشند مقصود خود را درست بنویسند.

در صفحه ۳۲، ستون دوم، مرقوم فرموده‌اند: «... لذا ایشان (یعنی اینجانب) آن چاپ (یعنی چاپ فروزانفر) را هشت جلد معرفی کرده‌اند.»

قبلاً هم عرض کردم که ایشان حوصله خواندن یکی دو صفحه پیشگفتار کشف الایات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی را نداشته‌اند، اگر حوصله به خرج می‌دادند و می‌خواندند، در اوایل سطور صفحه اول پیشگفتار این جملات را می‌دیدند: «کلیات شمس تبریزی به همت مرحوم استاد بدیع‌الزمان

فروزانفر در ده مجلد است و...» البته از فحوای عبارات ایشان معلوم است که غرض ایشان ذکر خیر از این جانب بوده است، با نوشته من و تأیید و تکذیب من ابدأ کاری نداشته‌اند.

در صفحه شش پیشگفتار، اینجانب به دشواری مراجعه به کشف الایات به ترتیب قافیه در تصحیح مرحوم فروزانفر اشاره کرده است. معرف ارجمند بدون عنایت به آن توضیح، با اکراه و نخواستگی شیوه مرحوم فروزانفر را «تا حدودی مشکل» ارزیابی کرده‌اند.

آنچه مایه تعجب و تأسف من شده است و مرا مجبور به نوشتن این سطور کرده، عبارات زیر است:

«این را هم بیفزاییم که رباعیات از دیگر اشعار تفکیک شده و برای یافتن آنها باید به بخش جداگانه آن رجوع کنید. این البته مشکلی به وجود می‌آورد و آن اینکه اگر شما یک بیت از رباعی را در دست داشته باشید و از روی وزن آن نتوانید تشخیص دهید که بیت مربوط به یک رباعی است مجبور خواهید بود کار جستجو را دوبار انجام دهید.»

یاللعجب! من پس از خواندن این عبارات، راه حلی حکیمانه به نظرم رسید که حتماً کار مراجعه کنندگان را آسان‌تر خواهد کرد، و آن این است که در چاپ دوم کتاب کشف الایات تمام رباعیات مولانا را عیناً علاوه کشف الایات کنم که مراجعه کنندگان گرفتار در دسر نشوند!!

نویسنده ارجمند مقاله هرگز توجه نکرده است که رباعیات در جلد ۸ تصحیح مرحوم فروزانفر بیت شمار ندارد، در مجلد ۹-۱۰ هم شماره‌یی و راهنمایی برای رباعیات دیده نمی‌شود. کتاب مرحوم فروزانفر در مجلدات ۹-۱۰ بالغ بر ۷۲۸ صفحه است، کشف الایات کلیات شمس جمعاً در ۳۱۷ صفحه است که ۱۹۴ صفحه از نصف صفحات کشف الایات فاقد راهنمای رباعیات استاد فروزانفر هم کمتر است و رباعیات را هم نشان می‌دهد.

من در شگفتم که این پا به سن نگذاشتگان چرا می‌پندارند که پا به سن گذاشتگان تألیفات خود را از رودخانه‌ها یا آب انبارها پر می‌کنند و به ناشران می‌سپارند؟ در دفاع از پایان نامه‌یی جوانی از مرحوم دکتر سید صادق گوهرین ذکر خیر می‌کرد!! من نتوانستم تحمل کنم، گفتم: آقای محترم، شما از چند مأخذ و به چند زبان استفاده کرده‌اید و این اقیانوس زخار پر از خطا را فراهم کرده‌اید؟ گفت: از فلان مجلد (که خیلی محدود بود) همه به فارسی، گفتم: عزیز من، مرحوم گوهرین، نیم قرن پیش از این از ۴۰۸ عنوان کتاب فارسی، عربی و انگلیسی به صورت خطی



و چایی بهره گرفته چهارده عنوان آن نظیر تفسیر کبیر در ۸ مجلد، دائرةالمعارف اسلام ۱۴ مجلد، تاریخ الامم طبری در ۱۳ مجلد را که من محاسبه کردم، بالغ بر ۱۱۳ مجلد بوده است. آن فرهنگ خود را. ولو به فرموده شما با تعدادی خطا تدوین کرده که این کتاب شما بیش از ۸۰ درصد برگرفته از آن است. انصاف سنجیه خوبی است.

معرف محترم خود در صدر مقال می نویسد: «شاید بپرسید آنچه در صدر این نوشته آمده مشخصات یک کتاب است و چه ربطی به این حرفها دارد؟»

من هم در ختم مقال عرض می کنم:

کشف الابیات دکتر محمدجواد شریعت بر مثنوی و کشف الابیات اینجانب بر مثنوی نشر روزنه. نه چنانکه معرف مرقوم فرموده است چاپ سازمان چاپ و انتشارات ارشاد. چه ربطی به موضوع دارد. من هم می توانم جهت مزید اطلاع عرض کنم که فرهنگ واژه‌نمای حافظ، تألیف مرحوم خانم دکتر مهین صدیقیان و آقای دکتر میر عابدینی را روزنه چاپ کرده، چاپ مرحوم انجوی شیرازی از دیوان حافظ هم کشف الابیاتی دارد. آقای دکتر سید محمد دبیر سیاقی هم کشف الابیاتی بر شاهنامه تدوین کرده‌اند. شاهنامه اینجانب در نشر روزنه هم کشف الابیاتی به همراه دارد. «و چه ربطی به این حرفها دارد؟»

جمله‌یی از مرحوم عبدالباقی گولپینارلی را نقل می کنم که مخصوصاً برای جوانانی که سن و سالی از ایشان گذشته و هنوز تجربه‌یی نیندوخته‌اند، بسیار آموزنده است: «هیچ چیز نخوانده نمی توان چیزی نوشت، تنها چیزی که امروزیان نمی دانند همین نکته است». روانش شاد باد.

توفیق ه سحجانی
۸۶/۵/۳۱

حضرت آقای ایرانی، مدیر محترم نشر میراث مکتوب

با درود بسیار، سپاسگزارم که از نشریه سودمند گزارش میراث هر شماره مرا بهره مند می سازید. در شماره اخیر (ش ۶-۴، دی. اسفند ۸۵)، ضمن معرفی انتشارات مؤسسه مطالعات شرقی سلیمان اف، آمده است:

«جمال القرشی»: «الملحقات بالسورة» / مقدمه، ضمایم و تحشیه توسط شین. وحیدوف و بی. بی. آمینوف (ص ۴۵) همین که عبارت «جمال القرشی» را دیدم، دانستم که جمال الدین محمد قرشی، مشهور به «جمال القرشی» منظور بوده است. که چند سال پیش عراضة العروضیین او را تصحیح و نشر کردم. اما عبارت بعد «الملحقات بالسورة» چندان تغییر شکل یافته، که نخست آن را کتابی جداگانه پنداشتم، اما پس از لختی تأمل دریافتم که آن نیز محرف الملحقات بالصرّاح، نام کتاب دیگر جمال قرشی است، که آن را در دیباجة عراضة العروضیین به اختصار معرفی کرده‌ام. ضبط نام مصححان نیز به صورت «شین. وحیدوف و بی. بی. آمینوف»، ظاهراً دقیق نیست، و تصور می کنم به صورت «ش. وحیداف. ب. ب. امین اف» مناسب تر باشد.

این اطلاع، به صورت مذکور، برای خواننده‌ای که قبلاً با این عناوین آشنایی نداشته، وافی به مقصود نیست، اما به رغم مسخ صورت کلمات پس از انتقال به خط فارسی، برای من متضمن دو فایده مهم بود:

اول: اطلاع از چاپ تازه ملحقات قرشی، که از نظر احتوای اطلاعات منحصر به فرد تاریخی بسیار اهمیّت دارد، و لازم است در ایران نیز منتشر شود.

دوم: اطلاع از صورت دیگر نام کتاب قرشی، که تاکنون در منابع، همه جا به صورت ملحقات الصّراح دیده‌ام، و در چاپ اخیر به صورت الملحقات بالصرّاح آمده است، که اصیل تر به نظر می رسد.

ارادتمند: محسن ذاکر الحسینی

هیژدهم مرداد ماه ۱۳۸۶ خورشیدی - تهران

عزیزان علاقمند و دوستدار میراث مکتوب

لطفاً با اشتراک منشورات و نشریات این مرکز، خود را در نشر و ترویج فرهنگ مکتوب ایرانی سهیم نمایید. در ضمن مشارکت شما در تحقق این اهداف و انجام پژوهشها و پروژه‌های در دست این مرکز، اعم از چاپ متون تحقیقی، عکسی (فاکسیمیله)، تکمیل بانک اطلاعاتی نسخ خطی فرهنگ و تمدن ایران و اسلام، میراثهای مشترک ایران و شبه قاره، ایران و ماوراءالنهر و ایران و دوره عثمانی و ... راه را برای آنها پروژه‌ها هموارتر می سازد.